

بررسی آسیب پذیری اقلیت‌های مسلمان و ذوب شدن آنان در جوامع غیر اسلامی

بررسی آسیب پذیری اقلیت‌های مسلمان و ذوب شدن آنان در جوامع غیر اسلامی

بیژن شهرامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی آسیب پذیری اقلیتهای مسلمان و ذوب شدن آنان در جوامع غیر اسلامی و ارائه راه حلهای مناسب برای احیای هویت دینی و فرهنگی و تلاش برای ارتقای جایگاه و حضور اجتماعی فعال آنان

اسلام بذاته چیزی است که نیروی حیاتی آن زوال پذیر نیست! بوث ورث اسمیت. ([1])

پراکنش يك ميلیارد و دو بیست میلیون انسان فراز پایه ای که افتخار پیروی از دین مبین اسلام را دارند به گونه ای است که سراسر زمین های مسکون زمین را به رایحه دل انگیز حضور ایشان معطر و آراسته می

بینیم. هر لحظه جماعتی کثیر خواه اندك، خواه به جماعت خواه به صورت فرادی به سوی سرزمین وحی، پایگاه ورکن رکین توحید و یکتا پرستی، قبله آمال خویش کعبه شریف نماز می گذارند. گروهی نماز بامداد، (همزمان، در دیگر جای) جمعی نماز پیشین، جماعتی نماز پسین، ملتی نماز شام، جماعتی نماز خفت و گروهی صلاه لیل را به جای می آورند.

در این میان اگر چه بخش کثیری از ایشان در دارالاسلام شرف حضور دارند اما دسته ای دیگر در فراسوی آن زیست می کنند در سرزمین هایی که اصطلاحاً غیر اسلامی خوانده می شوند و مسلمین به صورت اقلیت در میان جمعیتی که پیرو سایر ادیان و مذاهبند یا به چاه بی دینی در افتاده اند به سر می برند البته با آلام و آرزوهای بسیار که این نوشتار سعی در پرداختن به جلوهایی از آن دارد.

آسیب پذیری اقلیتهای مسلمان و ذوب شدن آنان در جوامع غیر اسلامی.

در عصر بیداری اسلامی، امت اسلام به درك ضرورت های بسیاری نائل آمده است که تاچندی پیش به دلیل فرو رفتن در خواب سنگین سستی و بی خبری قرون و اعصار توان بذل عنایت و چاره اندیشی علمی و خردمندان برای آن را نداشت از جمله مقوله آسیب پذیری اقلیتهای مسلمان و خطری که از بابت اکثریت غیر مسلمان مأنوس با ایشان تهدیدشان می نماید.

اما به راستی این قبیل مسلمانان از چه روی و از ناحیه چه عناصر و عواملی آسیب می بینند یا به تعبیر بهتر عناصر آسیب رسان به ایشان کدامند؟

یکی از عواملی که اقلیتهای مسلمان از آن رنجها برده اند دمساز بودن ایشان با رسانه های است که بی اعتنا به تعالیم ادیان آسمانی یا حداقل در تضاد با احکام نورانی اسلام و منطق با دستورات سایر مذاهب و شرایع به فعالیت مشغولند از قبیل تلویزیون، رادیو، شبکه های جهانی اطلاع رسانی، مطبوعات، سینما و....

ناگفته پیداست که بخش عمده ای از تأثیرات سوء این قبیل مؤانست ها بیش از هر چیز متوجه نسل جوان مسلمان است که آینده روشن اقلیتهای مسلمان به دینداری و اعتلای علمی و اخلاقی ایشان وابسته است.

وقوف بدین مطلب که صهیونیستها سهم عمده ای در مدیریت رسانه های گروهی جهانی و بنگاههای خبر پراکنی دارند ما را متوجه خطری می سازد که مسلمین ساکن در خارج از دارالاسلام را تهدید می نماید.

2 - نظام تعلیم و تربیت

وظیفه خطیر انتقال بخش عمده ای از موارث معنوی جامعه از نسلی به نسل دیگر متوجه نظامهای آموزش و پرورش دنیاست و این در حالیست که در بسیاری از کشورهای غیر اسلامی (ومتأسفانه گاه اسلامی) نظر به لائیک بودن دولتها و مرام سکولاریستی حاکم یا تعالیم دینی را در زمره موارث معنوی به حساب نیاورده و باتبع کوششی در جهت انتقال آن به نسل نو فراگیر مبذول نمی نماید و یا بی اعتنا به اقلیتهای مذهبی موجود از جمله مسلمان اقدام به آموزش انحصاری تعالیم و احکام دین رسمی کشور می نمایند.

در این میان مدارس اسلامی به دلیل هزینه های بالای آن یا مجال فعالیت در مسیر جبران این وضع را نمی

یا بند و یا با کیفیت اندک و کم تأثیر آغاز به کار می نمایند. ([2])

والدین نیز به دلیل عدم برخورداری از فناوری نوین آموزشی، پیچیدگی‌ها و طرایف مترتب بر فنون و مهارت‌های تدریس و نیز نبود متون و منابع متناسب با سن فراگیران و درگیر بودن با مسائل و مشکلات زندگی توان انتقال موارث گرانسنگ دینی شرع مقدس اسلام به نونهالان آینده ساز خویش را ندارند و اصولاً اهتمام ایشان مصروف خنثی کردن القائات شوم دین ستیزانه ای که از هر سو متوجه فرزندان ایشان است می شود.

3 - فعالیت گروه‌های نژادپرست

مسلمانان ساکن در کشورهای غیر اسلامی را می توان در دو گروه جای داد آنانکه خود یا نیاکانشان در سالهای دور بدین کشورها مهاجرت نموده و همپای دیگر شهروندان در جهت توسعه و آبادانی زیستگاه خویش کوشیده اند و گروهی که خود و اجدادشان از ابتدا تبعه این ممالک بوده و به شرف اسلام نائل آمده اند. در این زمینه نکته قابل تأمل اینکه این دو گروه علیرغم پیشینه درخشان و سهم عمده ای که در اعتلای زیستگاه و میهن خویش داشته اند همواره از سوی گروه‌های نژادپرست مورد تحقیر، آزار و اذیت قرار گرفته اند تا آنجا که شاهد سوختن خانه و زندگیشان در آتش قهر، جهالت و گمراهی آنان بوده اند و حتی گاه خود نیز مظلومانه به شهادت رسیده اند.

4 - دولتهای افراطی

یکی دیگر از عناصر آسیب رسان به اقلیت مسلمان سازوکارهایی است که با استقرار دولتهای افراطی یا به قدرت رسیدن احزاب تندرو در گستره ایالات و کشور به کارگرفته می شوند، اقدامانی که کوچکترین التزامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر و موارد مشابه ندارند از قبیل:

– محدود کردن ارتباط اقلیت مسلمان با دارالاسلام

– نگماردن شهروندان مسلمان به مشاغل و پستهای سیاسی نظیر سفارت، وزارت، نامزدی از سوی حزب برای احراز کرسی پارلمان و...

– عدم اعطای کمک به مدارس اسلامی و تلاش در جهت به تعطیلی کشاندن آموزشگاههای فعال

– منع استفاده از پوشش اسلامی، خاصه در مدارس و آموزشگاهها

– عدم اعطای مجوز ساخت مساجد و مؤسسات دینی جدید و تلاش در جهت تخریب اماکن موجود. ([3])

– ممنوعیت سردادن و پخش اذان

– عدم ارائه تسهیلات مربوط به چاپ و نشر به نویسندگان مسلمان

– محدود ساختن دامنه تأثیرگذاری راهکارهایی که ناظر بر احیای هویت دینی و فرهنگی و حضور اجتماعی فعال مسلمانان است.

– حذف فرصتهای محدودی که پیشتر جهت اقامه فرائض به کارگران مسلمان داده می شد.

– عدم توجه به فرائض مسلمانان در پروازها و مسافرتهاى زمینی و آبی

– ممنوعیت یا سختگیری در زمینه برگزاری اجتماعات، راهپیمایی ها و برنامه های نظیر روز جهانی قدس

و...

5 - ویژگی های خاص جوامع غیر اسلامی

بخشی از رنجها و مرارت‌هایی که اقلیتهای مسلمان با آن مواجه هستند منبعت از ماهیت خاص جوامع غیر اسلامی است. براساس ماهیت مزبور کنشها و برنامه هایی مجال بروز می یابند که با ارزشهای اسلامی و انسانی سر سازگاری ندارند و بالتبع به مذاق مسلمانان خوش نیامده آنان را با مشکلاتی از قبیل دغدغه یافتن جایگزین شرع پسند یا تن دادن به زیانهای ناشی از پرهیز و اجتناب از آنها وا می دارد، کنشهایی نظیر:

- تعطیل نبودن روز جمعه، اعیار و مناسبتهای اسلامی و عدم امکان شرکت در مراسمات مربوطه

- پاك نبودن بخش عمده ای از فرآورده های گوشتی موجود در بازار

- فراهم بودن زمینه لازم جهت ابتلاء نسل جوان به انواع معاصی و مناهی

- حاکمیت تمام عیار نظام سرمایه داری که اخلاقیات، ارزشهای الهی و عواطف انسانی را تحت الشعاع مقوله تولید بیشتر قرار داده است

6 - متأثر بودن افکار عمومی از تبلیغات ضد اسلامی استکبار جهانی

همزمان با توسعه کمی و کیفی جریان فرخنده بیداری اسلامی حجم حملات و توطئه های پیدا و پنهان اسلام ستیزان و آنان که حاکمیت جهانی اسلام را در تعارض با منافع نامیمون خویش یافته اند افزایش بی سابقه ای یافته است به امید آنکه راه نفوذ شعاع نافذ و روشنی بخش دین خدا بر سرزمین قلوب حقیقت جویان سدگردد و از این راه سلطه نا مشروعشان تداوم یابد اما زهی پندار خام، که خورشید را با گل اندود نتوان نمود.

علیرغم این، تلاش روز آمد و دامنه دار فوق تا حدودی بر افکار عمومی جوامع غیر اسلامی تأثیر سوء گذاشته و انزوای چند بعدی اقلیتهای مسلمان را موجب شده است. آنان که انتساب همیشگی کنشهای تروریستی به فعالان اسلامی عرصه سیاست و ظلم ستیزی بلکه به قاطبه مسلمین را ترجیع بند تکراری و ملال انگیز خویش ساخته اند از هیچ کوششی در تهییج و تحریض ناجوانمردانه افکار عمومی علیه امت اسلامی فروگذار نکرده اند و طبیعی است که ببینیم دستگاههای عریض و طویل خبری و تبلیغی را نیز در این راستا به کار گرفته اند.

علی کل حال بدبینی و سوءظن شهروندان در کشورهای غیر اسلامی نسبت به اقلیت مسلمان وریشه دار شدن آن می تواند تبعات و آسیب های چشم افسایی را به دنبال داشته باشد که می بایست تا حد ممکن در محو آن کوشید.

7 - جنگهای فرقه ای

کشمکشهای پیروان ادیان و مذاهب الهی همواره به نفع دین ستیزان تمام شده و عرصه را برای جولان لجام گسیخته آنان فراهم آورده است. در این میان گاه متأسفانه افرادی که برافکار عمومی تأثیرگذار بوده اند خود ناخواسته بدین امر دامن زده با برخورد بدور از حکمت با رقبای خویش وضعیتی را پدید آورده اند که در ضمن آن جنگهای فرقه ای مجال بروز یافته اند.

ناگفته پیداست که بالا گرفتن تب تضاد ما بین پیروان فرق و مذاهب آفتی بزرگ برای اقلیتهای مسلمان در کشورهای اسلامی است که از قبل آن امکانات محدود موجود در دسترس ایشان تحلیل رفته، رشته شیرازه امورشان از هم می گسلد.

یکی از مهمترین عواملی که آسیب پذیری اقلیتهای مسلمان را در جوامع غیر اسلامی فراهم آورده است عدم بهره مندی ایشان از قدرت سیاسی است این امر خود معلول دوعامل عمده می باشد.

- عدم تحرك جدی اقلیتهای مسلمان برای کسب قدرت سیاسی (در چارچوب قوانین هر کشور)، این امر نشأت گرفته از نبود شناخت نسبت به ضرورت تحصیل قدرت سیاسی است.

- هراس نظامهای سیاسی غیر اسلامی از قدرت گرفتن اسلامگریان که می تواند به جلب اعتماد شهروندان خواه مسلمان خواه غیر مسلمان بینجامد و توانایی اسلام در اداره مطلوب جامعه را دیگر بار اثبات نماید.

- گرتة برداری ناقص فعالان سیاسی مسلمان از الگوهای موفق.

- جداپنداشتن دین از سیاست

در بعضی از موارد مشاهده می شود که اقلیت مسلمان خود در بردارنده افرادی با ملیتهای گوناگونند که تنها نقطه اشتراك آنان در آمدن به سایه سار مصفای اسلام است این نقطه اشتراك اگرچه می تواند همه

نقاط افتراق و اختلاف را تحت الشعاع خویش قرار دهد اما گاهی مقهور ملی گرایی افراطی افراد شده جای خود را به تفرقه و چند دستگی می دهد. البته این در حالیست که افزایش اختلافات درون گروهی اقلیتهای مسلمان تهدیدی بس خطرناك برسر راه تداوم حیات ایشان محسوب شده بی اعتنایی به آن می تواند به تلاشی کلیت ساختار اقلیت و پراکندگی روبه زوال اجزای آن منتهی شود.

حال که آسیب پذیری اقلیتهای مسلمان ساکن در ممالك غیر اسلامی را در امتداد نگاه قراردادیم شایسته است به راهکارهای مؤثر در جهت احیای هویت دینی و فرهنگی، ارتقاء جایگاه و حضور اجتماعی فعال آنان اشارتی به شرح ذیل نماییم:

الف - تقویت ارتباط باطل و دول اسلامی

رابطه میان سرزندگی و نشاط اقلیتهای مسلمان و سطح ارتباطی که آنان با دارالاسلام دارند رابطه ای مستقیم و تنگاتنگ است البته این ارتباط پیش از آنکه سیاسی باشد می بایست دینی، فرهنگی، علمی و مانند آن باشد چراکه وضعیت عمومی نظام بین الملل امروزه ارتباط سیاسی گسترده اقلیتهای موجود در يك کشور با اکثریت ساکن در کشور یا کشورهای دیگر را برنمی تابد و آن را حمل بر مقاصد خاص و مشکوک می نماید

به عبارت دیگر آمد و شد فرهیختگان، دانشوران و اصحاب خردواندیشه ما بین جامعه مادر و جوامع خود حاشیه ای (خواه نزدیک و خواه دور) اقلیتهای را از ذوب شدن و تحلیل رفتن باز می دارد ضمن آنکه می تواند ارتباط سیاسی را نیز براساس ایده فاخر جدا نبودن دین از سیاست به گونه ای که تحريك آمیز نباشد ایجاد و تقویت نماید.

کنگره شکوهمند حج که همه ساله میعادگاه مسلمانان از سراسر جهان است و مراسمات پر حکمت آن نظیر راهپیمایی برائت از مشرکان نیز می تواند عزم، همت و هویت دینی اقلیتهای مسلمان را تقویت نموده و به نیکوترین شکل جهت بخشد.

ب – رویکرد سازمان کنفرانس اسلامی ونهادهای مربوطه به مسائل اقلیتهای مسلمان نیازهای اقلیتهای مسلمان در سراسر جهان را می توان به دودسته تقسیم کرد:

– نیازهای مادی

– نیازهای معنوی

از آنجا که يك اقلیت مسلمان ممکن است به يك یا هر دو نوع نیاز فوق مبتلا باشد ضروریست که سازمان جهانی کنفرانس اسلامی ونهادهای مربوط به آن (با توجه به شکوه ومهابت جهانی خویش) با انجام کار کارشناسانه به تأمین هر دو قسم یاد شده اهتمام ورزد خواه از طریق اعطای کمکهای انسان دوستانه مالی خواه با زدودن شبهات، پاسخگویی به سئوالات، تأمین مواد فکری از قبیل کتب و نویافته های تحقیقی و امثال ذلك.

ناگفته پیداست که این رویکرد می بایست مبتنی بر صیانت از کرامت وعزّت نفس اقلیتهای مسلمان باشد و استقلال را از ایشان سلب ننماید.

اعمال سیاسی تنش زدایی از سوی دستگاه خارجی کشورهای اسلامی اگر مبتنی بر سه اصل نورانی عزت، حکمت و مصلحت باشد از یکسو به ایجاد جو تفاهم بیشتر میان اجزای دارالاسلام و ارتقاء توان تأثیرگذاری آن بر معادلات جهانی و ازدیگر سو به ارائه چهره ای واقعی از جوامع اسلامی به جهانیان می انجامد.

در سایه سار چنین اهتمامی است که سوءظن دولتها نسبت به هم کاهش می یابد و اقلیتهای مسلمان اجازه آن را می یابند که جای جای دارالاسلام را در امتداد نگاه خویش قرار دهند ضمن آنکه همزیستی مسالمت آمیز و منطبق بر احترام دوسویه با پیروان و مهمتران دین رسمی یا غالب کشورها به تقویت مرام یکتاپرستی انجامیده کمرنگ ساختن تبلیغات ضد اسلامی که زاییده توطئه شوم اسلام ستیزان است را موجب می شود.

د - جلب اعتماد دیگر شهروندان

از دیدگاه اسلام انسان به عنوان موجودی اجتماعی نسبت به هموعان و زیستگاه خویش وظایف چندی را بر عهده دارد که عمل بدانها متضمن حلول روح عواطف انسانی و ارزشهای متعالی درکالبد جامعه بوده تحصیل سعادت در این راه میسور می سازد. به عنوان مثال تأکیدی که این شریعت مقدس بر همسایه نوازی دارد بسیار چشم افشا و در خور توجه است تا آنجا که می بینیم پیامبر عظیم الشان اسلام آنقدر در مورد همسایه سفارش می فرماید که اصحاب حضرتش گمان می کنند همسایه از همسایه ارث می برد.

بدین ترتیب تخلق مسلمین (خواه آنجا که اکثریت و خواه آنجا که اقلیت افراد جامعه را تشکیل می دهند) به اخلاق و آداب نورانی اسلام برکات بی پایان خود را آشکار می نماید از جمله آنکه به اعتماد سازی متقابل می انجامد و استمرار حضور تأثیر گذار مسلمین در اقصی نقاط عالم را موجب می شود.

خدای تعالی آدمیان را به همگرایی و دوری جستن از تفرقه و چند دستگی فراخوانده است آنجا که خطاب بدیشان می فرماید «همگی به ریسمان خدا جنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید». ([4])

عنایت بدین موضوع یکی از برجسته ترین وظایف مسلمانان را در همه جایها و مکانها آشکار می سازد خاصه در سرزمین های فراسوی دارالاسلام که اختلاف درون گروهی زمینه ایجاد رابطه غالب و مغلوبی ما بین جمع اکثریت و اقلیت و نهایتاً اضمحلال و هضم اینان را فراهم می آورد.

ناگفته مبرهن است که مقصود، وجود وحدت در عین کثرت و تنوع سلیق و اندیشه ها که برکات نشأت گرفته از آن عدیده و ماندگار است می باشد نه بسته شدن باب تفکر، خردوروزی، ارائه راهکارها و سازوکارهای نوین که سنتی را و فتور آفرین است.

یکی از انتظاراتی که از اقلیتهای مسلمان می رود آنست که از یکسو تعامل همه جانبه خویش را با دارالاسلام تقویت نمایند و از دیگر سو با اجتماعی که در آن زیست می کنند نیز از موضعی عزتمند و غیر انفعالی ارتباطات طبیعی و منطقی را برقرار سازند.

این امر علاوه بر اینکه باعث حفظ هویت و موجودیت اقلیتهای مسلمان می شود به عقیم ماندن حجم انبوهی

از تبلیغات و کنشهای اسلام ستیزانه آنان که اضمحلال واستحاله اقلیتهای مسلمان را دنبال می کنند نیز می انجامد.

رویکرد دوجانبه به واقع خود بهترین گواه بر نشاط و سرزندگی و کنش خردمندانه گروههای اسلامی است که می تواند به انتشار نکته بی بدیل اسلام در سرزمینهای غیر اسلامی هم منتهی شود.

ز - گرته برداری از سازوکارهای مفید و مؤثر به کارگرفته شده از سوی اقلیتهای مسلمان دیگر کشورها

دریک بررسی اجمالی می توان به توفیق بعضی از اقلیتهای مسلمان در احیای هویت دینی و فرهنگی خویش و نیزکنشهایی که ارتقاء جایگاه و حضور اجتماعی فعال ایشان را در متن جوامع غیر اسلامی موجب شده، و قوف یافت از جمله اقلیت مسلمان انگلستان که با الهام گرفتن از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و حمایت از فعالیتهای دکتر مرحوم کلیم صدیقی. ([5]) ابتدا مؤسسه اسلامی لندن و سپس مراکز وتشکلهای فعال ذیل را بنیاد نهاده اند:

– مجلس شورای مسلمانان بریتانیا

– تشکیل مدارس اسلامی

– گروه تجار مسلمان

– اتحادیه پزشکان مسلمان

– مجمع دانشمندان مسلمان

– گروه خواهران مسلمان

– برنامه احداث کشتارگاههای گوشت حلال

– بیت المال اسلامی

– پیشنهاد تشکیل دانشگاه رسانه های گروهی اسلامی

گرفته برداری از سازوکارهای مفید به کار گرفته شده ای از این دست به شرط غافل نشدن از شرائط زمانی و مکانی محل اجرای اولیه و نیز ثانویه و دیگر عوامل دخیل در آن می تواند مؤثر و سودمند واقع شود.

ح – پرهیز از اتخاذ مواضع افراطی

اسلام به عنوان آیینی که تمامی ابعاد وجودی حیات انسانی را از نظر دور نداشته و به نیکوترین شکل بدانها پاسخ داده به خوبی قادر است که سرزمین دل آدمی را مسخر خویش ساخته، سعادت دارین را برای او به ارمغان آورد البته به شرط آنکه دست جاهلان مقدس مآب و متشّرع نما از مسند وعظ و تبلیغ کوتاه گردد و اسلام به شکلی کاملاً ناب و محمّدی «ص» به جهان تشنه عدالت و معنویت معرفی گردد.

امروزه اگر اقلیتهای مسلمان و بزرگان ایشان به چاهی در افتند که بیشتر برخی از گروههای افراطی نظیر طالبان افغانستان بدان دچار آمده اند نه تنها از اصل اسلام و احکام نورانی آن فرسنگها فاصله می گیرند بلکه موجبات اضمحلال خویش در متن جوامع غیراسلامی و ایجاد تصویری منفی از اسلام در اذهان بینندگان را فراهم می آورند که ثمره غایی آن جز خسران و پشیمانی چیز دیگری نخواهد بود.

یکی دیگر از راهکارهایی که می‌تواند به احیای هویت دینی و فرهنگی و ارتقاء جایگاه حضور اجتماعی اقلیتهای مسلمان در جوامع غیر اسلامی بینجامد تلاش در راستای تشکیل احزاب یا نفوذ پیدا کردن در احزاب و گروه‌های سیاسی مطرح و ترغیب ایشان به از تصویب گذراندن لوایح و طرحهایی است که موانع موجود برسر راه فعالیت آزادانه فعالان اسلامی را از میان برمی‌دارد این امر در صورت صحت اجرا می‌تواند یکی از موانع اساسی در زمینه اعتلای همه جانبه اقلیتهای اسلامی را که همانا عبارت از فقدان قدرت سیاسی است مرتفع سازد.

نکته ای که در این زمینه به ذهن متبادر می‌شود آنست که آیا حضور افراد مسلمان در احزاب غیر اسلامی جایز است؟ در پاسخ می‌توان به افرادی اشاره کرد که با اذن امام معصوم «ع» در دستگاههای ظلم و ستم حاکم رسوخ کرده با احراز پست و سمت هم که شده در تعدیل مواضع و تصحیح اشتباهات و حتی ثبوت عدم حقانیت آنها کوشیده اند. ([6])

وقوف يك مجموعه به نقاط ضعف و قوت خویش (به شکلی کارشناسانه و علمی) می‌تواند موجبات رشد و اعتلای کمی و کیفی آن را فراهم آورد. این امر را شاید بتوان اولین گامی نامید که يك اقلیت در جهت حفظ هویت و موجودیت خود می‌بايست بردارد.

بزرگ یا اندك نمایی نقاط قوت و ضعف که زاییده علمی نبودن گمانه زنی هاست می‌توان تأثیرات سوء بسیاری که واخوردگی و شکست از يك جهت و رکود، رخوت و سستی از سوی دیگر نمونه هایی از آنند منتهی گردد.

ك - مشاركت در گفتگوی تمدنها، ادیان و مذاهب

گفتمان تمدنها، ادیان و مذاهب که وامدار کریمه نورانی «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه».[7] است برکات بسیاری را به همراه دارد از جمله تبدیل رقابتهای غیر منطقی و تضادهای دیرینه به فضایی سازنده که چلچراغ خردورزی، تعقل، اندیشه و مفاهیم روشنی بخش آنست.

در سایه سار گفتگوست که معرفت ادیان، مذاهب و تمدنها از یگدیگر افزایش می یابد و تنگناهای تحمیلی بر اقلیتهای مسلمان بر چیده شده یا تخفیف می یابد. این امر هنگامی که بدانیم سبب معرفی اسلام از طریق شیوه های روز آمد به جهانیان و گرایش رو به تزاید آنها به آن، و بالطبع بالارفتن آمار جمعیتی مسلمانان می شود اهمیت اصلی خویش را پیدا خواهد نمود.

ل - شناسایی و اثبات اصالت و دیرینگی جوامع اسلامی

همانطور که پیشتر آوردیم تبلیغات ضد اسلامی بنگاههای خبر پراکنی و تبلیغی صهیونیستی غرب چنین القا نموده است که بیست تا سی میلیون مسلمان ساکن در اروپا و نیز اقلیتهای مسلمان ساکن در دیگر کشورهای غیر اسلامی مهاجر و بیگانه بوده و می بایست چونان پناهندگان و نه شهروندان با آنان رفتار نمود.

دامنه دار بودن این فرایند شوم که آسیب های بسیاری را بر پیکره اقلیتهای مسلمان وارد ساخته است خلاف واقع می باشد چراکه اندك نیستند آنان که چونان نیاکان خویش در کشوری غیر اسلامی رشد نموده و بالیده اند اما به حول و قوه الهی به شرف اسلام مشرف شده اند.

نظر به آنچه که ذکر آن رفت شناسایی و اثبات اصالت و دیرینگی جوامع اسلامی و ریشه دار بودن اقلیتهای مسلمان در هر سرزمین می تواند به تخفیف مشکلات و تنگناهایی فرا روی ایشان است منجر شود.

جریان امیدآفرین بیداری اسلامی آفاق روشن و نوینی را در برابر دیدگان امت رسول الله(ص) گشوده است. باشد که به خواست خدای تعالی به ایجاد وفاق و همگرایی جهانی در بین مسلمین و زمینه سازی جهت تشکیل دولت کریمه منجی عالم بشریت «عج» بینجامد. ان شاء الله

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

1 - اعترافات 82 نفر از دانشمندان بزرگ جهان درباره اسلام و قرآن، محمود احمدی، انتشارات تعاونی 42 سنندج.

2 - درآمدی بر مکاتیب و نظریه های جامعه شناسی، حسین ابوالحسن تنهایی

3 - تقریب (7 - 6)، یادنامه دکتر کلیم صدیقی، ویژه نامه نهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

BOS WORTH SMITH. ([1])

([2]). در انگلستان مدارس دینی اقلیت یهود از حمایت مالی دولت برخوردارند در حالی که مدارس اسلامی کمکی دریافت نمی نمایند.

([3]). در این زمینه می توان به سرنوشت غم انگیز مسجد بامبری در هندوستان که به دلایل واہی از سوی افراطیون هندو ویران شد اشاره کرد.

([4]). آل عمران: 98.

([5]). یادنامه دکتر کلیم صدیقی، ص38.

([6]). در این زمینه می توان به علی بن یقطین که وزارت عباسیان را به اذن امام هفتم «ع» پذیرفت اشاره نمود.

([7]). زمر:30.